

واکاوی هویت معنوی ادراک شده دانشجویان مسلمان ایرانی

ehejazi@ut.ac.ir

narjes.lari@gmail.com

الهه حجازی / دانشیار روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

نرجس لاری / دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تهران

دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۱

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی وضعیت هویت معنوی ادراک شده، در اوایل بزرگسالی میان دانشجویان مسلمان ایرانی است. بدین‌منظور، از طریق روش نمونه‌گیری نظری، ۲۰ دانشجویی ۱۸ تا ۲۹ سال از دانشگاه تهران انتخاب، و به صورت انفرادی، مورد مصاحبه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها، به وسیلهٔ مصاحبه عمیق و مبتنی بر طرح کیفی نظریه زمینه‌ای انجام شده است. نتایج نشان داد که می‌توان وضعیت هویت معنوی، در اوایل بزرگسالی را به پنج مقوله انتخابی تقسیم کرد: هسته‌های شناختی معنویت (اعتقاد به قدرت متعالی، هدفمندی هستی، جبران اعمال، فطرت، دین)؛ رابطهٔ متعالی با عناصر (تعالی رابطه‌ای با خدا، ائمه، دیگران، خود، طبیعت)؛ رفتار اخلاقی - ارزشی؛ محاسبه و رسالت؛ سنن دینی. با توجه به داده‌ها، می‌توان گفت: هویت معنوی نوعی برقراری ارتباط آگاهانه یا ناآگاهانه با جهان هستی، مبتنی بر هسته‌های شناختی متعالی شکل گرفته در ذهن است که منجر به انتخاب پویا و عامل رفتار اخلاقی ارزشمند، هدفمندی حیات و تعهد به سنن دینی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هویت معنوی، اوایل بزرگسالی، نظریه زمینه‌ای.

مقدمه

معنویت، نقش مهمی در رشد و توسعه فردی و اجتماعی افراد دارد. از این رو، توجه به آن رو به افزایش است (روهلکپارتین و همکاران، ۲۰۱۱). توجه به دین و معنویت، در فرایند تحولی هویت، به سبب ارتباط با سلامت جسم (همتی پاک و همکاران، ۱۳۸۹؛ معینی کیا و زاهد بابلان، ۱۳۸۹؛ کاتن و همکاران، ۲۰۰۶) و سلامت روان (پلینت و شرمن، ۲۰۰۱؛ مکنایز و همکاران، ۲۰۰۰؛ جانی پژوه و همکاران، ۱۳۸۹؛ مکینتاش و اسپیلکا، ۱۹۹۰)، از اهمیت بالایی برخوردار است.

از پیامدهای مثبت مرتبط با دین و معنویت، در اوایل بزرگسالی می‌توان به تمایلات و رفتارهای سالم و حرمت خود بالا (نوکس و همکاران، ۱۹۹۸؛ ریو و ونگ، ۲۰۰۶؛ زولینگ و همکاران، ۲۰۰۶)، خودتنظیمی هیجان‌ات و خودتنظیمی تحصیلی (گیلیام و همکاران، ۲۰۰۸)، نوآوری در نوجوان (بردی و هینی، ۲۰۱۰؛ وینک و دیلون، ۲۰۰۳)، رشد خرد (فلاور و دل، ۲۰۰۶؛ شدلاک و کرنلیس، ۲۰۰۳؛ ویلبر، ۲۰۰۰) و تاب‌آوری (رفتپلوس و بیتس، ۲۰۱۱) نام برد. به علاوه، دین و معنویت عوامل محافظت‌کننده‌ای برای عدم انجام رفتارهای پرخطر (حسن و همکاران، ۱۳۹۳؛ نوکس و همکاران، ۱۹۹۸) و مصرف مواد مخدر (ویت و همکاران، ۲۰۰۶) است. در روان‌شناسی مثبت‌نگر، رشد معنویت به عنوان یکی از اجزای رشد بهینه یا بالندگی در نظر گرفته می‌شود (بنسون و اسکیلز، ۲۰۰۹). در ایران نیز رابطه معنویت با بهزیستی روان‌شناختی، شادی ذهنی، رضایت از زندگی، شکوفایی روان‌شناختی، امید به آینده، هدفمندی در زندگی، و پیشرفت تحصیلی مثبت ارزیابی نموده‌اند (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۴؛ نادی و سجادیان، ۱۳۹۴؛ بلند، ۱۳۹۳).

تمپلتون و اکلز معتقدند: معنویت به عنوان جزیی از هویت فرد، به عنوان هویتی پویا و فردی (تمپلتون و اکلز، ۲۰۰۶)، می‌تواند فهم ما را نسبت به اینکه چگونه معنا به فرد، پیامدهای مثبت و مثبت‌نگری را افزایش دهد. بر این اساس، در سال‌های اخیر گرایش به سازه معنویت در روان‌شناسی، به سمت رابطه آن با نظریه‌های مربوط به هویت در نظریه اریکسون و مارسیا، سوق داده شده است (مک‌دونالد و فردمن، ۲۰۰۲).

بیشتر محققان، هویت معنوی را با این پیش فرض که معنویت، سازنده اصلی «خود» در فرد است و پیامدهای پایداری را در ارتباط با سایر اجزای هویت شکل می‌دهد، به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای هویت فردی شخص، به حساب می‌آورند (جوسلسون، ۱۹۹۶). می‌توان گفت: هویت معنوی، هویت پایایی برای فرد است که هدایت‌گر اهداف، رفتارها و انتخاب تجارب شخصی است (تمپلتون و اکلز، ۲۰۰۶).

در یک تعریف کلی، تمپلتون و اکلز، هویت معنوی را بیانگر هویت فردی و تأملات شخصی فرد، دربارهٔ معنویت زندگی خویش می‌دانند (تمپلتون و اکلز، ۲۰۰۶؛ ریمر و همکاران، ۲۰۰۹). به نظر می‌رسد، مبنا قرار دادن چنین تعریفی، قالب ثابت و مناسبی را برای محتواهای مختلف مرتبط با بافت‌های متنوع ایجاد می‌کند.

از این رو، تعریف «معنویت»، یکی از دلایل مهم برای عدم وجود تبیین روشنی از مفهوم «هویت معنوی» محسوب می‌شود. بر این اساس، تنوع بسیار زیادی برای تعریف معنویت در متون دیده می‌شود (مک‌دونالد و فردمن، ۲۰۰۲).

ریمر و همکاران (۲۰۰۹)، برای تبیین هویت معنوی، بر اساس یک واکاوی طبیعت‌گرایانه طی مصاحبه‌های کیفی در یک گروه نمونه ۴۵ نفره از ادیان اسلام، مسیحیت، یهود به چند زمینه دست یافتند: الف. آگاهی رابطه‌ای؛ ب. هویت حرفه‌ای؛ ج. محاسبه و مباشرت؛ د. سنت‌ها؛ ه. خدا به عنوان یک قادر مطلق. بر اساس این یافته‌ها، هویت معنوی «قائل شدن به یک درک و تعهد پایدار از خود، در زمینه رفتارهای بین فردی متعالی، ویژگی هدفمندی و اصلاح هدف، زاینده‌گی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است» (ریمر، و همکاران، ۲۰۰۹).

در تحقیق دیگری، *رافتاپلس* و *بیتز* (۲۰۱۱) از طریق مصاحبه‌های کیفی، با ۱۵ نوجوان و با روش نظریه زمینه‌ای، سه بعد برای معنویت ادراک شده را شناسایی کردند: الف. دیدگاهی متعالی به عنوان ارتباط با خدا و یا یک قدرت بالاتر؛ ب. احساس معنا؛ ج. ارتباط با خود درونی.

ماتیس (۲۰۰۰) نیز در یک مطالعه کیفی، به بررسی برداشت مفهوم «معنویت» در میان ۱۲۸ نفر از زنان آفریقایی - آمریکایی، پرداخت. نتیجه مطالعه وی، بیانگر این نکته بود که زنان در این نمونه، معنویت را به مثابه «ارزش‌های اساسی درونی و هماهنگ»، و دین را «اشتقاق فردی به اعتقادات دقیق و اعمال مذهبی و مراسم‌هایی که با خداوند در ارتباط است»، می‌دانند. این افراد، همچنین اعمال و ارزش‌های دینی را وسیله‌ای برای رسیدن به معنویت تلقی و معنویت را به شکل ارتباط با خدا، خود، و یا قدرت‌های متعالی تصور می‌نمودند (ماتیس، ۲۰۰۰).

در مطالعه دیگری، مفهوم «معنویت» در میان بیماران ایرانی مبتلا به سرطان، مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که سه زمینه اصلی برای معنای معنویت در این افراد وجود دارد: ۱. خدا به عنوان حقیقت معنوی (رابطه با خدا و اعتماد به خدا)؛ ۲. اخلاقیات و قراردادهای معنوی (اخلاقیات فردی و اجتماعی)؛ ۳. منابع معنوی به عنوان منابع امید (منابع مذهبی، شخصی و اجتماعی). همچنین این محققان، نتیجه می‌گیرند که معنویت در بافت دینی افراد قابل تعریف است (رهنما و همکاران، ۲۰۱۲).

باید توجه کرد که شکل‌گیری هویت معنوی در بافت فرد شکل می‌گیرد. در طول زمان، ارزش‌های متعالی شخص که تأثیر آنها در طیفی از رفتارهایش نمایان است، در تجارب معنوی وی ادغام می‌شوند. والدین، همسالان و روابط عاشقانه، سرشار از بار ارزشی و انتظاراتی است که در قسمتی از روایت هویتی شخص ثبت می‌گردند. دین نیز در این روابط رسوخ می‌کند، حتی اگر شخص اعمال دینی را انجام ندهد. تعریف «هویت معنوی»، به عنوان ارزش‌های شخصی و کاملاً مجزا از تأثیرات جمعی و تکوینی، در عمل کاری بسیار مشکل است (ریمر و همکاران، ۲۰۰۹).

به‌طور کلی، وجود چند مسئله در مطالعات انجام شده در قلمرو هویت معنوی وجود دارد:
الف. دیدگاه این مطالعات عموماً بازتابی از دیدگاه‌های غربی، مبتنی بر تأکید بر فردیت و رضایت از خود است.

ب. برخی از این نظریات فرض می‌کنند که سنت یا هویت معنوی، به ارث برده می‌شوند، نه اینکه فعالانه توسط خود شخص شکل بگیرند.

ج. برخی از آنها، توصیفاتی خطی و غیرپویا و قابل حدس برای معنویت لحاظ می‌کنند که ساختار معنویت یا رابطه آن را با بافت در نظر نمی‌گیرد (روهلکپارتین و همکاران، ۲۰۱۱).

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه به‌طور کلی، تحقیقات روان‌شناسی دربارهٔ هویت معنوی، بسیار اندک و عموماً در نمونه‌های مسیحی انجام شده است (کیزلینگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ تمپلتون و اکلز، ۲۰۰۵). عمدهٔ تلاش‌ها برای شناخت هویت معنوی، غربی و بخصوص مربوط به آمریکای شمالی بوده و مصاحبه‌های صورت گرفته در میان گروه‌های دینی دیگر، از جمله مسلمانان حاکی از گرایش این مطالعات در تعریف کاملاً مجزای دین و معنویت است (ریمر، و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین، تعیین رابطهٔ اعمال دینی و معنویت، نیازمند بررسی افراد غیرغربی می‌باشد (همان). باید توجه داشت که تشکیل ابعاد هویت معنوی در ذهن جوان، از ساختار فرهنگی، منابع و سرمایه‌های لازم برای امکان جست‌وجوگری، که برای فرد فراهم می‌شود، متأثر است.

این پژوهش، تمرکز بر بافت دینی اسلامی دارد؛ چرا که به نظر می‌رسد فرهنگ و نظام حاکم دینی در ایران ایجادکنندهٔ ساختار متفاوتی از دیگر بافت‌ها باشد. از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهند. منطبق بر نظریه اوایل بزرگسالی آرنت، این سال‌ها در گستره حیات ویژگی‌های خاص خود را دارند که جست‌وجوگری و اکتشاف هویت، یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌هاست (آرنت، ۲۰۰۷). یک جنبه از این جست‌وجوها برای اکتشاف هویت، در بعد عقاید دینی و معنوی است (آرنت،

۲۰۰۸). در ساختار نظام آموزشی ایران نیز جوان با بستر خاصی از سرمایه‌های تحولی مرتبط با معنویت روبه‌روست که تبعاً، به اکتساب و ایجاد ابعاد خاصی از هویت معنوی در وی می‌انجامد. از سوی دیگر، بر اساس دیدگاه لابیوی ویف (۲۰۰۶)، تحصیل در دانشگاه، با عملکرد شناختی بالاتر در اوایل بزرگسالی همراه است. از این رو، یکی از راه‌های دریافت اطلاعات عمیق‌تر از طبیعت ناهمگون اوایل بزرگسالی دریافت پاسخ‌های دقیق، و پرسش‌گری به روش کیفی از آنان است. در مجموع، هدف اصلی این مطالعه، توصیف و واکاوی هویت معنوی ادراک شده برای ورود به بزرگسالی است.

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش کیفی و طرح نظریه زمینه‌ای، برای شناخت وضعیت هویت معنوی در اوایل بزرگسالی استفاده شده است. هدف عمده روش کیفی، ارائه توصیف عمیقی از واقعیت تحت بررسی است. دستیابی به این توصیف عمیق، نیازمند فنونی است که به کمک آن بتوان داده‌های گردآوری شده را سازماندهی، تنظیم و تحلیل کرد و به ارائه نظریه مبتنی بر واقعیات و داده‌ها دست یافت. این نظریه، مبتنی بر داده‌ها را نظریه زمینه‌ای می‌گویند (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸).

جامعه آماری این تحقیق، شامل جوانان دانشجوی مسلمان شیعه، در مقطع سنی اوایل بزرگسالی (۱۸-۲۹ سال) دانشگاه تهران، در سال ۱۳۹۲ می‌باشد. شرکت‌کنندگان در این پژوهش، شامل ۲۰ نفر (۱۴ دختر و ۶ پسر) بوده‌اند. برای انتخاب نمونه مورد نظر، از روش نمونه‌گیری هدفمند، که تناسب بیشتری با تحقیقات کیفی دارد، استفاده شده است (پاتن، ۲۰۰۲).

میانگین سنی مصاحبه‌شوندگان ۲۶/۸ سال بوده، که برای ایجاد تنوع در نمونه، در انتخاب افراد نمونه به تنوع رشته، شهر سکونت و جنسیت دقت شده است.

ابزار پژوهش

ابزار پژوهش در این مطالعه، مشتمل بر مصاحبه و عکس بوده است. در بخش مصاحبه، از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شده است. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ دقیقه تا یک ساعت و نیم بوده که به صورت فردی انجام شده است. در ابتدای مصاحبه، اطمینان لازم برای امانتداری به اطلاع رسانده و توضیحاتی راجع به محتوای پرسش‌ها و درخواستی برای اعلام نظرات حقیقی و درونی، که خود شخص به وی رسیده باشد، داده شده است. محور تنظیم سؤال‌ها، شامل معنای هویت معنوی، رابطه معنویت با دین، تجربه‌های معنوی، تکالیف هویت معنوی، موانع هویت معنوی، و تحول هویت معنوی

بوده است. برای تصحیح سؤالات، از یک گروه کانونی مشتمل بر دانشجویان دوره دکتری روان‌شناسی تربیتی کمک گرفته شد. سپس، دو مصاحبه برای نمایان ساختن اشکالات انجام شد.

در مرحله بعد و به عنوان دومین ابزار، مجموعه‌ای از تصاویر برای تکمیل هرچه بیشتر اطلاعات، به ویژه با هدف ایجاد فرصت بیشتر برای افرادی از نمونه، که نسبت به سایرین حافظه بصری بیشتری دارند، به انتهای مصاحبه اضافه شد. تصاویر شامل سه مجموعه مجزا (سه صفحه) بوده که در هر کدام تعدادی تصویر دربارهٔ مصادیق متنوع معنویت در سه حیطهٔ مختلف «نگرشی» (مثل تولد، طبیعت، دنیا، شکوفایی و... با هدف تداعی سؤالات اساسی مثل وجود، خدا، مرگ، معنا و... و کشف و پذیرش فرد برای رشد معنوی)، «ارتباطی و هیجانی» (مثل دعا، طبیعت، اماکن مقدس، همدلی و ارتباط مثبت با انسان‌ها با هدف، تداعی ارتباط با خدا، معنادار شدن رابطه با دیگران، پذیرش عمیق معنای زندگی روزانه و غیره) و «پیامدی و عملکردی» (مثل زندگی سخت و پرتلاش، خدمات اجتماعی، دفاع از میهن، شکرگذاری، اعمال عبادی و غیره با هدف، تداعی توسعه جهت‌گیری امید، هدف، شکرگذاری، به طوری که هویت، ارزش‌ها و باروری شخص در اعمال و روابط وی نمایان شود) قرار گرفته است. تصاویر، بر روی نمایشگر به افراد نشان داده شده و از افراد خواسته می‌شد تا راجع به هر مجموعه و آنچه از خاطرات و روایت‌ها، که برای آنان با الهام از تصاویر تداعی می‌گردد، اظهار نظر کنند.

سینگلتن و همکاران، بر استفاده از تصویر در مطالعه کیفی معنویت تأکید ورزیده؛ معتقدند: استفاده از تصاویر، باعث جلب دیدگاه‌هایی راجع به خود می‌شود که تخیل و تصویرسازی فرد در آن درگیر می‌گردد؛ تصاویری که مردم در آن، خود و یا زندگیشان را می‌بینند و بسیار غنی‌تر و اطلاع‌رسان‌تر از صرف عقایدشان دربارهٔ خودشان عمل می‌کنند: تصاویر معمولاً قویاً تأثیر گذارند و با تداعی امیدها، و ترس‌ها و تقالها همراهند (سینگلتن و همکاران، ۲۰۰۴).

روش تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، پس از اینکه داده‌های خام از طریق مصاحبه‌های ضبط شده به صورت کامل پیاده و به متن نوشتاری تبدیل گردید، فرایند کدگذاری توسط محقق آغاز شد. منطبق بر روش نظریه زمینه‌ای، از سه مرحله کدگذاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. ابتدا، پاسخ‌ها سطر به سطر مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل داده‌ها، همزمان با شروع جمع‌آوری داده‌ها آغاز و فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، به هم مرتبط بوده‌اند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱، ص ۲۰۰). تحلیل داده‌ها با کاهش داده‌ها، از

مصاحبه‌های خام تا تولید کدهای باز، محوری، و انتخابی پیش رفت. داده‌ها برای تولید یک نظریه پیرامون مقوله اصلی، تا حد اشباع جمع‌آوری شدند (همان).

یافته‌های پژوهش

برای استخراج یافته‌ها، نخست، مفاهیم اولیه توسط کدگذاری باز حاصل شد. سپس، این مفاهیم کنار یکدیگر و بر اساس اشتراکات، تشابهات یا همپوشی معنایی، به صورت خرده‌مقولات (۲۱ خرده‌مقوله یا مقوله فرعی) در آورده شد. در مرحله آخر، خرده‌مقوله‌ها در یک سطح انتزاعی‌تر، و مبتنی بر روش‌های قیاسی به دست آمدند و به صورت پنج مقوله محوری ترسیم شده‌اند. از این فرایند، یک مقوله اصلی (انتخابی)، به عنوان نظریه زمینه‌ای در این پژوهش حاصل شد. خلاصه مفاهیم یا مقولات باز، خرده‌مقوله‌ها یا مقوله‌های فرعی و مقولات محوری، در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. مقوله‌های باز، محوری و انتخابی برای تبیین مفهوم هویت معنوی در اوایل بزرگسالی

مفاهیم	خرده‌مقوله‌ها (مقوله فرعی)	مقوله‌های محوری
اعتقاد به وجود خدا با صفات متعالی اعتقاد به ائمه <small>علیهم‌السلام</small>	اعتقاد به قدرت متعالی	۱. هسته‌های شناختی هویت معنوی
هدفمندی خلقت یا وجود کائنات هدفمندی اتفاقات قضای الهی و مصلحت دانی وی	اعتقاد به هدفمندی هستی	
اتفاقات نتیجه اعمال خیر و شر جبران اعمال در جهان دیگر	اعتقاد به جبران اعمال	
اعتقاد به گرایشات ذهنی پیش آموخته مشترک اعتقاد به ذات خوب انسانی	اعتقاد به فطرت	۲. رابطه متعالی با عناصر
نظام شناختی دینی به عنوان دریچه نگاه به هستی رابطه با خدا، به عنوان یک وجود قادر و عظیم، مهربان، خیرخواه، حاکم، حافظ و وکیل. مونس، هدایت‌گر، ناظر و حکیم رابطه پرستش نیاز مادی و/ یا روحی به خدا رابطه با خدا در حالی از خوف و رجا احساس حمایت شونددگی و عشق نسبت به خدا	رابطه متعالی با خدا	
عواطف و احترام، شفقت و خیرخواهی نسبت به دیگران گرایش کمک کردن به هموع اهمیت دادن و ارزش‌دهی غیرمشروط به انسان‌ها	رابطه متعالی با دیگران	
رابطه روحی انس و علاقه به ائمه <small>علیهم‌السلام</small> احساس پشتیبانی و حمایت از سوی آنها	رابطه متعالی با ائمه <small>علیهم‌السلام</small>	۳. رفتار ارزشی - اخلاقی
آزادی مادی، فکری، جغرافیایی، آزادی از مردم و از خود، گشودگی عقیده‌ای سازگاری با مشکلات، محیط، انسان‌ها، وسعت قلب (عدم هیجان زدگی)، رضایت از زندگی اطمینان قلبی: احساس آرامش و ایمنی، رضایت از خود، لذت، امید و مثبت‌نگری	رابطه متعالی با خود	
تکریم و تقدیس و محافظت از طبیعت، مخلوقی با خالق یکسان با خود طبیعت، پلی برای برقراری ارتباط با خدا	رابطه متعالی با طبیعت	
معنویت فرد، رفتار اخلاقی مبتنی بر قواعد دینی رفتار اخلاقی بر اساس ادراک نظارت خدا	چارچوب اخلاق دینی	
رفتار اخلاقی بر اساس وجدانات و مبتنی بر دانش پیش آموخته مشترک و ذات انسانی	رفتار اخلاقی فطری	
رفتار اخلاقی مبتنی بر اصول تعریفی فردی یا اجتماعی	چارچوب اخلاقی شخصی	

استفاده از زمان به یاد آوردن موقعیت‌های ناتوانی مثل مرگ و بیماری به مثابه انگیزه مثبت استفاده حداکثری از ابزارها و شرایط در معرض امتحان الهی بودن (*)	استفاده از فرصت	۴. محاسبه و رسالت
داشتن هدف، انگیزه و ارمان در زندگی	هدفمندی زندگی	
تلاش برای خودسازی در نظر گرفتن کمال فردی و اجتماعی و تلاش برای آن	به سوی رشد	
دغدغه انجام وظایف در ارتباط با خود، و/ یا مردم و/ یا خدا خدمت‌گذاری به خدا	زندگی تکلیف‌محور	
تلاشگری، مقاومت و استواری، اعتماد به نفس	تمهید	
بررسی مداوم وضعیت زندگی تلاش برای عدم خسران	مراقبه و محاسبه	۵. سنن دینی
علاقه و یا التزام فرد به انجام اعمال فردی دینی به عنوان پیشامد و/ یا پیامد و/ یا محتوای معنویت	اعمال فردی دینی	
علاقه و یا التزام فرد به انجام اعمال اجتماعی دینی به عنوان پیشامد و/ یا پیامد و/ یا محتوای معنویت	اعمال اجتماعی دینی	

مقولات محوری

۱. هسته‌های شناختی هویت معنوی

مقوله‌ای که گرایش‌ات، عقاید و ادراک شخص را راجع به حقایق هستی مشخص می‌سازد. این زمینه، در واقع سازنده نگرش شخص نسبت به هستی است. به عبارت دیگر، هسته‌های شناختی معنویت، بنیان‌های اعتقادی فرد را راجع به جهان هستی، انسان، خلقت و زندگی تشکیل می‌دهد. اعتقاد به قدرت متعالی: یکی از خرده‌مقوله‌های بعد شناختی، که با توافق بالایی از اطلاع‌دهندگان در این مطالعه دریافت شد، تأکید بر وجود یک قدرت متعالی بوده است. مهم‌ترین قدرت متعالی دیده شده در این تحقیق، متعلق به «خدا» بوده است. در این خرده‌مقوله، به طور تقریبی اجماع نظر وجود داشته است.

- ادیب: «همیشه علاوه بر تلاش ما و علل مادی یک نیروی خارجی هم هست و اون کمک و قدرت خداست».

قدرت متعالی دیگری که در داده‌ها یافت شده است، «ائمه معصومین (ع)» بوده‌اند:

- آیدا: «امام رضا (ع) را مقدس می‌دونم، اونجا حس می‌کنی بهتر می‌تونی صحبت کنی و واسطه‌ای داری که نظرت رو به خدا بگی».

نکته حائز اهمیت اینکه عموم افراد ائمه معصومین (ع) را در رتبه پایین‌تری از قدرت نسبت به خدا قرار داده‌اند و درباره‌ی توسل به آنان برای شفاعت نزد خدا سخن گفته‌اند. در بافت مذهبی شیعی ایران و با توجه به آموزه‌های دین اسلام، چنین موضوعی کاملاً قابل توجیه است.

اعتقاد به هدفمندی هستی: این خرده‌مقوله، حاکی از این اعتقاد است که انسان‌ها و سایر اجزای کائنات، بیهوده خلق نشده‌اند؛ نظام هستی به تمامه و همه اجزا و عناصر و اتفاقات آن هدفمندی هستند. - فرید: «در مورد اعجاز زیستی مشخص توی عکس‌ها، باید بگم قدرت خداست؛ همین‌طور کهکشانشا هم قدرت خدا رو نشان می‌ده؛ امکان نداره دنیا همین‌طوری و سرخود باشه».

اعتقاد به جبران اعمال: برخی افراد اعتقاد داشتند که اتفاقاتی که در این دنیا برایشان رخ می‌دهد، ناشی از کارهای خیر و شری است که انجام داده‌اند.

- پگاه: «وقتی کسی کمکی از تو خواسته و تو براش انجام ندادی، پشیمون می‌شی؛ چون اگر به اون کمک می‌کردی، کار خودت هم بهتر انجام می‌شد، این قانون پاداش هست».

از سوی دیگر، اعتقاد به معاد و حساب و کتاب اعمال نیز بعد دیگری از این خرده‌مقوله راجع به گرایش شناختی به جبران اعمال است.

- نفیسه: «می‌خوام خدا برام جبران کنه، اگه مخلوق هم جبران نکنه، خیلی هم ناراحت نمی‌شم؛ چون می‌گم خدایی هست که این رو می‌بینه و چون خدا قبلاً خیلی جبران کرده، دیگه مطمئنم که این اتفاق می‌افته. لزوماً توی این دنیا هم جبران نمی‌شه. چون می‌دونم که هیچ چیز از بین نمی‌ره، خیلی از اینکه اینجا هم جبران نشه ناراحت نمی‌شم، یه حساب دو دو تا چهارتایی هست».

اعتقاد به فطرت: اعتقاد به وجود گرایشات ذهنی در همهٔ اقدار بشر، راجع به خوبی و بدی، و نوعی دانش پیش‌آموخته در نوع بشر، این خرده‌مقوله را می‌سازد. همچنین، اعتقاد به ذات خوب در همهٔ انسان‌ها در همین دسته می‌گنجد.

- نیکو: «فکر می‌کنم معنویت چیزیه که هر آدمی بر اساس فطرت و روح خودش احساس می‌کنه. فطرت همون پس‌زمینه‌ای هست که هر بچه‌ای دارد، مایهٔ بچهٔ پاکی است که هیچی از محیط بیرون نگرفته. اون چیزی که در درون خودش احساس می‌کنه، نسبت به هر چیزی، اون فطرت هست و من اون را می‌گم معنویت».

اعتقاد به وجود دین: اعتقاد به وجود دین و الهام از نظام شناختی دینی، به عنوان درجه نگاه به هستی از دیگر ارکان گرایشات اکتشافی در هسته‌های شناختی معنویت این تحقیق بوده است.

- نفیسه: «معنویت، اعتقادات هست. بخشی از این اعتقادات مربوط به دینداری، و خدا پرستیه».

- سما: «جهان‌بینی دینی، همون معنویته. البته کسی که صرفاً اصول اسلام را پذیره معنوی نیست. باید توی عملش و رفتار و سکناتش بیاد».

۲. رابطه متعالی با عناصر

به معنی گرایش‌های ادراکی فرد، از روابط متقابل وی، با دیگر افراد، روابط اجتماعی، رابطه با خدا، ائمه علیهم‌السلام، طبیعت و خود است. توجیه انسان در تعریف این نسبت‌ها، متأثر از تعالی معنوی قرار گرفته و جایگاه ویژه‌ای را به آن داده است.

رابطه متعالی با خدا: رابطه با خدا، به عنوان یک وجود قادر و متعال، مهربان، خیرخواه، حاکم، حافظ و وکیل، مونس، هدایت‌گر، ناظر و حکیم و در حالتی خوف و رجا ادراک شده است. پرستش وجود همیشگی وی، در این رابطه مهم است. این رابطه گاهی به صورت نیاز مادی یا روحی درک شده است. - سمیرا: «احساس می‌کنم در پناه کسی هستم که خیالم همیشه ازش راحت».

- حمیرا: «گاهی توی حالت معنویم حس گریه بهم دست می‌ده. احساس می‌کنم خدا خیلی بهم لطف داشته با اینکه می‌دیده من چقدر گنه‌کارم و چقدر بدم. اون لحظه دوست دارم سجده کنم، شکر کنم، نماز بخونم. یا وقتی یاد مرگ می‌افتم، تاریکه و تنها می‌شم دائم می‌گم خدایا منو ببخش».

رابطه متعالی با دیگران: رابطه با دیگران، تحت حالتی از شفقت و خیرخواهی که به گرایش کمک به هم‌نوع می‌انجامد.

- پگاه: «منظورم از معنویت، عواطف و احساسات؛ مثلاً فرض کن من شب امتحانم درس نخوندم ولی به دوستم کمک می‌کنم، نوع دوستی، مهربانی، صلح‌طلبی: خصوصیات خوب انسانی، رعایت کردن حقوق هم‌نوع».

رابطه متعالی با ائمه علیهم‌السلام: رابطه با ائمه معصومین علیهم‌السلام، به عنوان قدرتی برای کمک و پشتیبانی در بحران‌ها. همچنین یک رابطه روحی از جنس انس و علاقه، زیر مقوله دیگری از تعالی رابطه‌ای با عناصر است.

- رضیه: «امام رضا، امام ماست و چون امام هست برای ما اینقدر بزرگه. آدم احساس می‌کنه اگه باهاش حرف بزنی، متوجه می‌شه. سعی می‌کنیم باهاش ارتباط برقرار کنیم و باهاش درد و دل کنیم».

رابطه متعالی با خود: یکی از دیگر اجزای مهم مقوله محوری، ادراک متعالی از عناصر، ادراک و رابطه فرد با خود است. حالتی از تعالی که شخص به خود نسبت داده است. این خرده‌مقوله، خود شامل چند عامل است: آزادی، سازگاری و اطمینان قلبی. مفهوم آزادی با عوامل آزادی مادی، آزادی فکری، آزادی جغرافیایی، آزادی از دیگران، آزادی از خود، و آزادی یا گشودگی عقیدتی تبیین شده است. مقصود از آزادی مادی، رهایی شخص از قید تعلقات مادی، مثل پول و مقام می‌باشد. آزادی فکری، به رهایی شخص از درگیری شدید در مشغله‌های روزمره اشاره دارد. آزادی جغرافیایی، به دغدغه‌های بدون مرزبندی وطن و غیروطن اطلاق می‌شود. آزادی از دیگران، معنی

آزادی و استقلال، به بازخوردهای منفی و مثبت بیرونی تعریف شده است. آزادی از خود، کنار گذاشتن منفعت طلبی‌ها و خودخواهی‌هاست. گشودگی عقیدتی به معنی انعطاف‌پذیری و عدم تعصب نسبت به عقاید است.

- آیدا: «برادرم را یک آدم خیلی معنوی می‌دونم؛ چون تظاهری در کارش نداره ولی سعی می‌کنه کارش را درست انجام بده، کاری به کار بقیه نداره».

- وحید: «تعلق زیادی به اطرافیان و آدم‌ها و هر چیز دیگه‌ای توی دنیا من رو از معنویت دور می‌کنه».

- نیکو: «برات مهم نباشه که داری به چه کسی صدقه می‌دهی. برات مهم نباشه که چه کسی داره حرف درست می‌زنه؟ حرف درست را به خاطر درست بودنش، بپذیریم نه به خاطر ملیت و قوم و دینش».

مفهوم سازگاری، با چند عامل سازگاری با مشکلات، محیط، انسان‌ها، وسعت قلب، و رضایت از زندگی در داده‌های مصاحبه کشف شده است.

- فریده: «محیط کمتر آدم رو آزار می‌ده؛ چون خودت را نمی‌بینی، منیت کمتری داری، اشکالات دیگران و اشتباهاتشون در حق تو خیلی کم آزارت می‌دهد».

- سما: «آدم معنوی کسی هست که از خوش بودن، خیلی خوشحال نمی‌شه و از غم هم خیلی غمگین نمی‌شه؛ چون رابطه عمیقی با خدا داره و همه چیز رو دست اون می‌بینه».

آخرین عامل، یعنی اطمینان قلبی با احساس آرامش و ایمنی، رضایت از خود، لذت، امید و مثبت‌نگری در ذهن افراد حاضر در این نمونه، شکل گرفته است.

- وحید: «بار اول که کعبه را دیدم، ناخودآگاه سجده کردم. اون لحظه، نهایت آرامش را برام داشت. احساس کردم خدا اونجاست و ما که رسیدیم به ما خوشامد می‌گوید و لبخند می‌زند، این آرامش، رضایت خداوند است. آرامش ناشی از ارتباط خالصی است که با خدا برقرار می‌شود».

- سمیرا: «چیزی که از معنویت به ذهنم می‌رسه، حس آرامش و اطمینان قلبی که آدم احساس می‌کنه در امانه».

- یاسین: «معنویت یک نوع رضایت از خود را در من ایجاد می‌کنه و احساس آرامش، نتیجه این رضایت از خود هست».

رابطه متعالی با طبیعت: رابطه شخص با طبیعت به حالتی از تکریم و تقدیس و محافظت از طبیعت موجود تحول یافته است. عموم افراد طبیعت را مخلوقی با خالق یکسان با خود تلقی نموده‌اند.

- نیلوفر: «حس خوبی نسبت به طبیعت دارم چون فکر می‌کنم طبیعت مثل ما آدم‌هاست و هر دو مخلوق یک خالق هستیم».

۳. رفتار ارزشی-اخلاقی

رفتار متناسب با چارچوب شناختی هویت معنوی، در محدوده ارزش‌ها در این مقوله مد نظر است. به عنوان نمونه، فردی که در خرده‌مقوله اعتقاد به وجود دین از هسته‌های شناختی احصا شده، در این مقوله، بر اجرای قواعد اخلاقی دین تأکید می‌کند. چنین فردی، بر اساس اعتقاد به نظارت الهی به محاسبه مداوم اعمال خود پرداخته و مفهوم توبه در این جایگاه شکل می‌گیرد.

- فرید: «بر اساس اینکه می‌دونی خدا ناظر هست، چارچوبی تعریف می‌کنی با اعتقاد به چیزهایی که معنویته، می‌تونی راحت کارهات رو در قالب اون چارچوب انجام بدی».

- حمیرا: «من معنویت را بیشتر اخلاق می‌بینم. مثلاً به اخلاق طرف نگاه می‌کنم، اینکه ظلم نمی‌کنه و مهربونه، اهل دروغ نیست، کلک نمی‌زنه. معنویت ارتباط نزدیکی با خالقش دارد. فرد چارچوب اخلاقی را از دینش و از اون مذهبی که داره می‌گیره».

گاهی شخص، چارچوب اخلاقی ترسیمی برای خود را مورد تأکید برای عمل قرار می‌دهد.
- آیدا: «معنویت، یکسری اصول درونی هست که توی شخصیت هر کس شکل می‌گیره و باید‌ها و نباید‌هایی که برای خودش تعریف می‌کنه».

برخی افراد نیز فطرت را منشأیی برای ایجاد یک چارچوب بدهی دانسته‌اند.
- نیکو: «معنویت از جنس احساس به کائنات هست، احساسی که تو نسبت به تک‌تک اجزاء کائنات داری، همون موجب می‌شه که اون چارچوب اخلاقی را بهت بده. مثلاً دروغ گفتن بده، چون تو داری مثلاً حق یکی از اجزای کائنات را پایمال می‌کنی ولی باید باهش با صداقت رفتار کنی، مجموعه‌ای از این می‌شه معنویت از زندگی».

۴. محاسبه و رسالت

این موضوع که فرد احساس می‌کند باید با دغدغه معنویت زندگی کند، نوعی احساس هدفمندی و انگیزه در او ایجاد می‌کند. مقوله محوری محاسبه و رسالت، به انگیزه و هدف، رشد و کمال، تکلیف، استقامت، اعتماد به نفس، تمایل به خودسازی، و بهره‌گیری از فرصت‌ها و تلاش برای عدم خسران اشاره دارد. هویت معنوی، شخص را به جدیت و هدفمندی در تکلیف زندگی خود وا می‌دارد. این تکلیف، گاهی عبودیت و بندگی خدا برای شخص حساب می‌شود.

- سمانه: «آدم معنوی آنقدر بزرگه که محدود نمی‌شه در این چارچوب، فرضاً اگر دنبال تحصیلات هست، اون دنبال مدرکش نیست. دنبال اون معنای پشتشه. دنبال اون هست. مثلاً، کمک به یک آدمی،

کمک به جامعه‌اش. کسی که معنوی هست، این طوری هست؛ یعنی پشت هر کارش یک معنایی هست. همین طوری سرسری دنبال کارش نمی‌ره، یک هدف بزرگ داره».

- پگاه: «وقتی فکر می‌کنی که با یک اتفاق کوچک تمام هدف‌ها و چیزهای دنیا تموم می‌شه، متقاعد می‌شوی که در این مدت برای کاهش درد جامعه و فکر به بقیه بیشتر رسیدگی کنی؛ چون هر لحظه ممکن است خودت مریضی بگیری که نتونی خیلی کارهایی که می‌تونستی انجام بدی».

- امیرحسین: «با یک خودداری مثلاً یه موقع‌هایی یک درگیری لفظی صورت می‌گیره، با خودداری کردن از پاسخ به تحقیر و توهین اون شخص احساس می‌کنم که پیشرفت کردم. معنویت یک جریان هست، زمان می‌گذره و ما داریم کارهایی رو انجام می‌دیم که نتیجه‌اش را نه از وجود خودمان، بلکه باید از وجودی که عالم باشه به تمام شرایط موجود بگیریم، که اگر همین لحظه زندگی را متوقف کنیم، باید دید چه بدهکاری و بستانکاری تا این لحظه وجود داره».

۵. سنن دینی

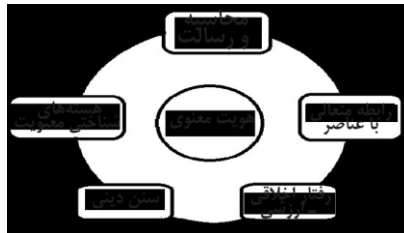
اکثر افراد حاضر در این نمونه، در اطلاعات هویت معنوی خود به آداب دینی اشاره نموده‌اند. این آداب، نوعی تعهدات دینی محسوب می‌شوند. از جمله این آداب، می‌توان از نماز، نماز جماعت، روزه، نذر، ذکر، تلاوت قرآن، حجاب، ادعیه، جلسات مذهبی، زیارت نام برد.

- رضیه: «اولین ادارک معنوی‌ام فکر کنم وقتی بود که برام جشن تکلیف گرفتن. مثلاً، چادر نماز و جانماز خریدن، بعد احساس کردم باید ماه رمضان را بیدار شم و نمازهام رو بخونم».

- وحید: «مثلاً صله رحم، رسم خیلی خوبیه، وقتی بعد از مدت‌ها دید و بازدید می‌کنی، معنوی‌تری، آرامش بیشتری داری. من تقریباً هر شش ماه یکبار نذر می‌کنم، بابت ادای حاجتم خون اهدا می‌کنم، با نیت نذر. این هم یک جور کمک به بقیه هست و برام آرامش میاره».

- فریده: «من فکر می‌کنم از نماز که شروع کنی، مسیر معنویت شروع می‌شه، معنویت اوچش خداست. از نماز که شروع کردم، جرقه‌ها اونجا زده شد، بعدش کم‌کم به سمت حجاب کشیده شدم».

نمودار زیر بیانگر مقوله‌های محوری هسته‌های شناختی هویت معنوی است.



شکل ۱. مقوله‌های محوری متجذ از یافته‌ها

بحث و نتیجه‌گیری

مقوله اصلی هویت معنوی در اوایل بزرگسالی، بازبینی مدل هویت معنوی است. چنان‌که گفته شد، هدف این مطالعه، بررسی وضعیت هویت معنوی ادراک شده در اوایل بزرگسالی، در بافت فرهنگی اسلامی - ایرانی بوده است. تعریف و تبیین آنچه به عنوان «خود معنوی»، در ذهن افراد در اوایل بزرگسالی، با توجه به فرایند رشد طی شده شکل گرفته است، و ارائه تعریفی که مستقل از محتوای مختلف ذکر شده، مفاهیم همه اذهان نمونه را تبیین کند، پیچیده و تو در تو به نظر می‌رسد. چنان‌که در این نمونه، نیز پاسخ‌دهندگان این موضوع را در پاسخ‌گویی به سؤالات به طور مکرر اذعان کرده‌اند. لذا این مهم، جز به وسیله روش‌های کیفی عمیق، قابل تحقق نیست.

حاصل اینکه زیربنای ساختار خود معنوی، از هسته‌های شناختی شکل گرفته است و مبتنی بر این زیرساخت، فرد، خود را در ارتباطات متعالی و فردی با ارکان مختلف تعریف می‌کند. در مرحله بعد، فرد در نسبتی که از خود با همه ارکان مشخص ساخته، برای زندگی خود نوعی جهت‌گیری دغدغه‌مند، پایبندی به احکامی برای زیستن و صفات ارزشی اخلاقی می‌سازد. اینکه فرد صفات را چگونه اتخاذ کند و یا اینکه، چه هدفی را انتخاب کند و یا در احکام معاش کدامیک را انتخاب کند، مبتنی بر محتوای ادراک شده وی در دو پله قبل است. بنابراین، شخص در فردی‌سازی معنویت خود آگاهانه و یا ناآگاهانه، عامل و پویاست. در کشور ایران و در بافت مسلمان، طبیعی است که محتوای هویت معنوی چه در ابتدا و چه در پیامدها، بسیار متأثر از نظام شناختی اسلام باشد. اما اینکه چه عواملی بر این عاملیت و حتی بر این پویایی اثرگذار است، از جمله دین و چارچوب شناختی آن، فرهنگ، نوع دلبستگی و... پرسشی است که نیازمند تحقیقی دیگر است.

براین اساس، برای ارائه یک تعریف هویت معنوی عمومی، که تصویری از افراد ایرانی مسلمان در اوایل بزرگسالی ارائه دهد، باید گفت: هویت معنوی نوعی برقراری ارتباط آگاهانه یا ناآگاهانه، با جهان هستی، مبتنی بر هسته‌های شناختی متعالی شکل گرفته در ذهن است که به انتخاب پویا و عامل رفتار اخلاقی ارزشمند، هدفمندی حیات و تعهد به سنن دینی می‌انجامد.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در نظر گرفتن هویت معنوی، به عنوان یکی از جنبه‌های مستقل رشد در ارتباط با سایر جنبه‌ها، بخصوص در اوایل بزرگسالی، که سن بررسی مجدد معنویت در هویت فردی است (آرنت، ۲۰۰۷)، لازم و ضروری می‌باشد.

ملاحظه ابعاد منتج از این مطالعه، به عنوان ابعاد بالفعل موجود در جامعه، برای هویت معنوی در سنین اوایل بزرگسالی، بیانگر ظرفیت مثبت تقویت معنویت، به عنوان واسطه‌ای برای ارتقای سلامت روان افراد

در اوایل بزرگسالی است. سلامت روان در ابعادی مثل قدرت دوست داشتن، عشق ورزیدن و حسن روابط اجتماعی (ساجدی، ۱۳۸۷)، با زیر مقوله تعالی رابطه‌ای با دیگران، در بعد خودشکوفایی و حرکت به سمت رشد مطلوب (همان)، در بعد دغدغه سعادتمندی بشر، یا احساس مسئولیت نسبت به دیگران (همان) با مقوله محاسبه و رسالت، در بعد نبود نابهنجاری روانی، آرامش روان و مقابله با اضطرابها (همان)، با زیر مقوله سازگاری از ارتباط متعالی با خود، و در بعد معناداری به زندگی و درمان پوچ‌گرایی (همان)، با زیر مقوله اعتقاد به هدفمندی هستی، در ابعاد هویت معنوی فرد همخوان است. همراهی ابعاد هویت معنوی موجود در این مطالعه، با دیدگاه‌های مختلف سلامت روان، تأکید مجددی بر ضرورت اهمیت به مسئله هویت معنوی، با در نظر گرفتن پیام‌های آن در نظام آموزشی می‌باشد.

با توجه به نوع تجربیات معنوی و بیان تعریف هویت معنوی شرکت‌کنندگان در این پژوهش، شاید یکی از مهم‌ترین پیام‌ها این باشد که هویت معنوی، مفهومی مرتبط با بافت فرهنگی - مذهبی جامعه است و در یک ارتباط دوسویه بین خود و اجتماع حاصل می‌گردد. این مسئله، هشدار برای وظیفه خطیر نظام آموزشی جامعه، والدین، مربیان و سایر نهادهای تربیتی است.

اما باید توجه کرد که تجربه معنویت، یک میل باطنی مشترک در بین مردم و در میان همه فرهنگ‌هاست (ریمر و همکاران، ۲۰۰۹). با توجه به یافته‌ها، ابعاد وضعیت هویت معنوی، حاصل از این مطالعه، در حالت کلی (و نه روش‌ها و جزئیات نگارشی)، فاصله بسیار زیادی از ابعاد منتج در سایر ادیان الهی، در دیگر نقاط دنیا ندارد. از این رو، به نظر می‌رسد، تأکید بر روح معنوی ادیان و برنامه‌ریزی برای آموزش و تقویت آن، می‌تواند به عنوان یک نقطه هدف مشترک در ملیت‌های مختلف محسوب گردد. یافتن این وجه مشترک، در قالب یک هدف آموزشی در ملل مختلف، امکان برقراری این ارتباط را با توجه به بافت آموزشی مد نظر برقرار می‌کند. آنچه لازم به نظر می‌رسد، هدف‌گذاری صحیح آموزشی بر اساس فرهنگ دینی بافت ایران و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن، با توجه به وضعیت موجود می‌باشد.

منابع

- استراوس، انسلم و جولیت کوربین، ۱۳۹۱، *اصول روش تحقیق کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نی.
- بلند، حسن، ۱۳۹۳، «معنویت‌گرایی، مدیریت زمان و پیشرفت تحصیلی: زمان‌ورزی معنوی»، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، سال چهارم، ش ۱، ص ۱۵۵-۱۷۴
- حسن، جعفر و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۳۹۳، «نقش بهزیستی معنوی و راهبردهای مقابله‌ایی در رفتارهای پرخطر نوجوانان»، *اندیشه و رفتار*، سال نهم، ش ۳۳، ص ۱۷-۲۶.
- جانی‌پژوه، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۹، «*رابطه معنویت با سلامت روان در دانشجویان*»، در: پنجمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان، تهران، دانشگاه ایران.
- ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۸۷، «دین و بهداشت روان (۱)»، *روان‌شناسی در تعامل با بهداشت روان*، سال اول، ش ۱، ص ۵۵-۸۶.
- محمدرضا، احمد و همکاران، ۱۳۸۸، «بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای: (مطالعات موردی ایلات منگور و گورک)»، *خانواده‌پژوهی*، سال پنجم، ش ۱۹، ص ۳۱۰-۳۳۲.
- معینی‌کیا، مهدی و عادل زاهد بابان، ۱۳۸۹، «*رابطه بین کیفیت زندگی و تعالی معنوی با سلامت عمومی دانشجویان*»، در: پنجمین سمینار بهداشت روانی دانشجویان، تهران، دانشگاه ایران.
- مؤمنی، خدامراد و همکاران، ۱۳۹۴، «*رابطه معنویت، تاب‌آوری و راهبردهای مقابله‌ای با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان*»، *جستایش (ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه)*، سال شانزدهم، ش ۸، ص ۶۲۶-۶۳۴.
- نادی، محمدعلی و ایلناز سجادیان، ۱۳۹۴، «*تحلیل روابط بین معنای معنوی با بهزیستی معنوی، شادی ذهنی، رضایت از زندگی، شکوفایی روان‌شناختی، امید به آینده و هدفمندی در زندگی دانشجویان*»، *طلوع بهداشت*، سال دهم، ش ۳ و ۴، ص ۵۴-۶۸.
- همتی‌پاک، معصومه و همکاران، ۱۳۸۹، «*اعتقادات معنوی و کیفیت زندگی: یک مطالعه کیفی از دیدگاه دختران نوجوان مبتلا به دیابت*»، *کوشش*، ش ۲، ص ۱۴۴-۱۵۱.
- Arnett, J. J, 1998, Learning to stand alone: The contemporary American transition to adulthood in cultural and historical context, *Human Development*, v. 41 (5-6), p. 295-315.
- Arnett, J. J, 2007, "Afterword: Aging out of care -Toward realizing the possibilities of emerging adulthood", *New directions for youth development*, p. 151-161.
- Arnett, J.J, ۲۰۰۸, *Positive youth development & spirituality: From theory to research*, In Lerner, R. M., Roeser, R. W., & Phelps, E. (Eds.). West Conshohocken, PA: Templeton Foundation Press.
- Benson, P.L, & Scales, P.C, 2009, The definition and Preliminary measurement of thriving in

- adolescence, *Journal of Positive Psychology*, v. 4, p. 85–104.
- Brady, L. L., & Hapenny, A., 2010, Giving back and growing in service: Investigating spirituality, religiosity, and generativity in young adults, *Journal of Adult Development*, v. ۱۷(۳), p. ۱۶۲–۱۶۷.
- Cotton, S, et al, 2006, Religion/spirituality and adolescent health outcomes: a review, *Journal of Adolescent Health*, v. 38 (4), p. 472-480.
- Fowler, J., & Dell, M., ۲۰۰۶, Stages of faith from infancy through adolescence: Reflections on three decades of faith development theory, In E. Roehlkepartain, P. King, L. Wagener, & P. Benson (Eds.), *Handbook of spiritual development in childhood and adolescence* (p. ۲۴-۴۴), □□□□□□□□□□.
- Gilliam, A. K., et al, ۲۰۰۸, The relation between stress and college adjustment: The moderating role of spirituality, *Modern Psychological Studies*, v. ۱۳, p. ۸۴–۱۰۱.
- Josselson, R., 1996, *Revising herself: The story of women's identity from college to midlife*, London: Oxford University Press.
- Kiesling, C. S., et al, ۲۰۰۶, Identity and spirituality: A psychosocial exploration of the sense of spiritual self, *Developmental Psychology*, v. ۴۲, p. ۱۲۶۹–۱۲۷۷.
- Knox, D., et al, 1998, Religiosity and Spirituality among college students, *College Student Journal*, v. 32, p. 430-432.
- Labouvie Vief, 2006, Emerging structures of adult thought, In Arnett, J. J., & Tanner, J. L. (Eds.). *Emerging adults in America: Coming of age in the 21st century*, Washington, DC: American Psychological Association.
- MacDonald, D. A., & Friedman, H. L., 2002, Assessment of humanistic, transpersonal, and spiritual constructs: State of the science, *Journal of Humanistic Psychology*, v. 42(4), 102-1۲۵.
- Mackenzie, E. R., et al, 2000, Spiritual support and psychological well-being: Older adults' perceptions of the religion and health connection, *Alternative therapies in health and medicine*, v. 6(6), p. 37-45.
- Matiss, J. S., 2000, African American women's definition of spirituality and religiosity, *Journal of black psychology*, v. 26(1), p. 101-122.
- McIntosh, D., & Spilka, B., ۱۹۹۰, Religion and physical health: The Role of personal faith and control beliefs. In M. Lynn & D. Moberg (Eds.), *Research in the social scientific study of religion* (vol. ۲, p. ۱۶۷–۱۹۴). □□□□□□□□□□, CT: JAI.
- Patton, M. Q., 2002, *Qualitative Research and Evaluation Methods*, (3rd edition), California: Sage Publications.
- Plante, T. G., & Sherman, A. C., 2001, Research on faith and health: New approaches to old questions, In T. G. Plante & A. C. Sherman, (Eds), *Faith and Health*, New York: Guilford Press, ۱–۱۲.
- Raftopoulos, M., & Bates, G., 2011, 'It's that knowing that you are not alone': the role of spirituality in adolescent resilience, *International Journal of Children's Spirituality*, v. ۱۶(۲), p. ۱۵۱–۱۶۷.
- Rahnama, M., et al, 2012, Iranian cancer patients' perception of spirituality: a qualitative content analysis study, *BMC nursing*, v. 11(1), p. 11-19.

- Reimer, K. S, et al, 2009, *Developing Spiritual Identity: Retrospective Accounts From Muslim, Jewish, and Christian Exemplars*, In De Souza, M., Francis, L. J., & O'Higgins-Norman, J. (Eds). International Handbook of Education for Spirituality, Care and Wellbeing (pp. 507-523), Springer Netherlands.
- Rew,L, & Wong,Y.J, 2006, A systematic review of associations among religiosity/ spirituality and adolescent health attitudes and behaviors, *Journal of Adolescent Health*, v. 38, p. 433-442.
- Roehlkepartain, E. C, et al, 2011, *Spiritual identity: Contextual perspectives*, In Schwartz, S.J, Luyckx,k, Vigonles, V.(Eds.). Handbook of Identity Theory and Research (pp. 545-562), Springer New York.
- Shedlock, D, & Cornelius, S, ۲۰۰۳, *Psychological approaches to Wisdom and its development*, In J. Demick &C. And reoletti (Eds.),Handbook of adult development (p. ۱۵۳-۱۶۸), □□□□□□□□, CT: Praeger.
- Singleton, A, et al, 2004, Spirituality in adolescence and young adulthood: a method for a qualitative study, *International Journal of Children's Spirituality*, v.9(3), p. 247-262.
- Templeton,J.L, & Ecclec,J.S, ۲۰۰۶, InRoehlkepartain,E.C., King,P.E., Wagene L, & Benson, P.L, (Eds) The handbook of spiritual development in childhood and adolescence, Thousand Oaks, CA: Sage.
- White, H.R, et al, ۲۰۰۶, Increases in alcohol and marijuana used during the transition out of high school into emerging adulthood: The effects of leaving home, going to college, and high school protective factors, *Journal of Studies on Alcohol*, v. ۶۷, p. ۸۱۰-۸۲۲.
- Wilber, K, ۲۰۰۰, *Sex, ecology, spirituality: The spirit of evolution*, Boston, MA: Shambhala.
- Wink, P, & Dillon, M, 2002, Spiritual development across the life course: Findings from a longitudinal study, *Journal of Adult Development*, v. 9, p. 79-94.
- Zinnbauer, B.J, et al, 1999, The emerging meanings of religiousness and spirituality: problems and prospects, *Journal of Personality*, v. 67, p. 889-916.
- Zullig, K.J, et al, 2006, The association between perceived spirituality, religiosity, and life satisfaction: The mediating Role of self-rated health, *Social Indicators Research*, v. 79, p. ۲۵۵-۲۷۴.